

سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار
جلد ۱ (ب)

جریان طلیعه‌تأثر در ایران

و

سرمشت تماشاخانه دارالفنون

(نخستین تماشای ایرانیان به روش فرنگستان)

نیایش پورحسن



کتاب کوله پستی

- سرشناسه : پورحسن، بش، ۱۳۶۴
- عنوان و نام پدیدآور : جریان ملیطمة نیار در ایران و سرانجامش : تماشاخانه دارالفنون (نخستین تماشاخانه ایرانیان به روش فرنگستان) / نیایش پورحسن
- مشخصات نشر : تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۶
- مشخصات ظاهری : ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م. ص. ۳۲۰
- فروست : سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایش ایران در عصر قاجار؛ ج. ۱. بید
- شابک : 978-600-461-097-1
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : تماشاخانه دارالفنون.
- موضوع : تماشاخانه‌ها -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.
- موضوع : Iran -- History -- 19th century Theaters --
- موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.
- موضوع : Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 --
- موضوع : ایران -- زندگی فرهنگی -- قرن ۱۳ ق.
- موضوع : Iran -- Intellectual life -- ۱۹th century
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ ج ۹ پ/۲۹۵۱ PN
- رده‌بندی دیویی : ۷۹۲/۰۹۵۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۱۰۲۷۹



کتاب کوله پستی

جریان طلیعه تناتر در ایران

و

شماره ۴ شش، تماشاخانه دارالفنون

(نمایش تماشای نه ابله‌ها به روش فرنگستان)

تألیف پورحسین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۱-۰۹۷-۱

نوبت چاپ: اول - سال ۱۳۸۲

ویراستار: مینو رزرجیری

طراح جلد: احمد شهبازی

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پستی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پستی

تلفن: ۶۶۱۲۳۹۵۸ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: [ketabekoolehposhti](https://www.instagram.com/ketabekoolehposhti)

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان.....	۷
پیش‌گفتار.....	۲۱

کتاب نخست: زمینه‌های پیدایی و تأسیس تئاتر و تماشاخانه در ایران

فصل نخست	
تأسیس خدایات در جهت پیدایی تئاتر و تماشاخانه در ایران.....	۳۳
فصل دوم	
تئاتر آرامنه در عصر ناصری.....	۵۵
فصل سوم	
فعالیت‌های نمایشی خارجی‌ها در عصر ناصری در ایران.....	۸۷
فصل چهارم	
ستاره‌ای از مشرق نمایشنامه‌ای - «بشیر» - ملاقات «ناصرالدین‌شاه» و «ملکه ویکتوریا».....	۱۰۵
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۱۳

کتاب دوم: سرگذشت تماشاخانه دارالفنون (نخستین تماشاخانه) و روش فرهنگستان

فصل اول	
نقطه‌های احداث و ساخت تماشاخانه دارالفنون (در عصر ناصری).....	۱۲۱
فصل دوم	
سالن تماشاخانه دارالفنون (معماری، امکانات و تشکیلات).....	۱۳۳
فصل سوم	
افتتاح تماشاخانه دارالفنون.....	۱۵۹
فصل چهارم	
نخستین نمایشنامه‌های اجراشده در تماشاخانه دارالفنون.....	۱۶۷

فصل پنجم

سایر نمایش‌های اجراشده در تماشاخانه دارالفنون ۱۷۹

فصل ششم

کمدی‌ها و اجراهای منسوب به «مولیر» در تماشاخانه دارالفنون ۱۹۷

فصل هفتم

نمایش‌های ایرانی و بازی‌های تقلیدگونه دیگری از نمایش‌های اجرایی در

تماشاخانه دارالفنون ۲۳۱

فصل هشتم

در انجام تماشاخانه دارالفنون ۲۵۳

فصل نهم

سرنوشت تماشاخانه دارالفنون ۲۶۳

فصل دهم

مختصری از وضعیت تماشاخانه جدید دارالفنون در دوره پهلوی ۲۷۵

فهرست منابع و مآخذ ۲۸۱

سخنی با خوانندگان

«سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار» مجموعه‌ای از جستارهای تازه‌یاب و ناگفته راجع به جریان‌ات مهم و تأثیرگذار نمایشی، مترجمان نوینندگان، هنرمندان و آثار نمایشی فراموش‌شده از عصر قاجار است که رای‌نستین بار به خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد.

این مجموعه به صورت کلی یک کتاب مدون راجع به تاریخ نمایش یا تاریخ ادبیات نمایشی ایران نیست، بلکه زنجیره‌های از هم‌گسسته از تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان با نیت در دوران ناصری، مظفری و سپس عصر مشروطه است که در نوبه خود می‌تواند ده‌ها، تاریک و فراموش‌شده‌ای که تا به حال در پژوهش‌های پیشین مطرح نشده یا به درستی به بوت‌شناسایی درنیامده است را معرفی نموده و به برخی از پژوهش‌های سابقه‌البحال نماید.

اگرچه مقوله تناثر و نمایش در دوره قاجار به ویژه دوره مورد بحث ما دارای ظاهری به اصطلاح روشن است، اما به صراحت باید اعلان کرد که اطلاعات جامعه پژوهشی ایرانی از این دوره به شدت کم‌رنگ و مختصر است. ربه همین جهت این دوره مملو از تاریکی، خلا، نقاط گنگ و مبهم، اشخاص و جریان‌ات فراموش‌شده و در مجموع دچار پرش و نقصان است. از این رو این دوره نیاز به کاوی و جستارهای جدید، پژوهش‌های تازه، کشفیات نو و ارائه اسناد و مدارک دارد که این مجموعه درصدد است گوشه‌ای از این دریای بی‌کران را روشن سازد.

راجع به شیوه نگارش و پژوهش این مجموعه باید گفت که هر مجلد سعی دارد به یکی از جریان‌اتی که در دنیای نمایش عصر قاجار تأثیرگذار واقع شد، بپردازد. این جریان‌ات خواه به صورت تأثیرات یک جریان همانند: «جریان طلیعه نمایشنامه‌نویسی در ایران»، خواه به صورت تأثیرات یک درام‌نویس غربی همانند

«مولیر»، «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است، و خواه به نهضت آشنایی ایران با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان و عثمانی، اتریش و... اشاره می‌کند. در ضمن در هر مجموعه، یک سند ارزشمند یا یک نمایشنامه مربوط به هر جریان معرفی و عرضه می‌شود. غالب نمایشنامه‌های ارائه شده در این مجموعه نیز آثاری تازه‌یاب یا غیرقابل دسترس هستند که یا تاکنون در ادبیات نمایشی ایران از آن سخن به میان نرفته و یا اگر هم قبلاً ذکر از آن شده باشد، از اشارات گنگ مبرا نیست. از این رو بسیاری از مطالب و آثار نمایشی این مجموعه نیز برای نخستین بار به جامعه پژوهشی و نمایشی ایران عرضه می‌گردد.

مجلدهایی که در این مجموعه از نظر می‌گذرد، مشتمل بر دو قسم است؛ قسم اول تاریک، ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار؛ و قسم دوم تاریکی‌های نمایش‌های ایران آورده عصر قاجار.

راجع به قسم دوم در مجلد‌های مربوطه به تفصیل شرح داده خواهد شد. اما در مورد قسم اول باید گفت که تأیید اصلی نخستین مجلدات این مجموعه بیشتر حول جریانات و آثار فراموش شده از عصر ناصری، مظفری و سپس مشروطه است. این دوره تقریباً از نیمه دوم دهه ۱۲۸۰ ه. ق. آغاز شده و تا سال ۱۳۲۴ ه. ق. یعنی تاریخ صدور فرمان مشروطه (و حتی مدتی بعد از آن را) در بر می‌گیرد، زیرا در وهله نخست پیدایی و طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران به شیوه فرنگستان مدیون کوشش‌های اولیه در این عصر است؛ در وهله دوم تا به امروز چنانچه باید، نتوانستیم به سیر تطور منطقی و توالی هنرهای نمایشی در این دوره دست یابیم؛ و در وهله سوم این دوره یکی از مقاطع حساس و تأثیرگذار تاریخ تئاتر و ادبیات نمایشی ایران است که شوربختانه به شدت دچار گسست و فراموشی شده است. چنانچه به‌طور مثال وقتی به معتبرترین کتب تاریخ ادبیات نمایشی و تئاتر ایران مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که هر وقت از طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار سخنی به میان رفته است، تنها یا از یکی دو اسم نظیر: «آخوندزاده» و «میرزا آقا تبریزی» به عنوان سردمداران آن یاد شده و یا از میان نویسندگان تأثیرگذار

خارجی فقط از آثار «مولیر» سخن به میان رفته است. حال آنکه از جریانات، مسائل و اشخاص دیگر که شاید به همان اندازه و در ابعاد مختلف تأثیرگذار بودند، به ندرت حتی اشاراتی دیده شود. همچنین همین کم‌توجهی و فقدان پژوهش را می‌توان در وضعیت ادبیات نمایشی و تئاتر ایران از دوران ترور «ناصرالدین‌شاه» تا صدور فرمان مشروطه که ۱۱ سال پرهیاهو را در بر می‌گیرد مشاهده نمود. زیرا پیرامون بن دوران حساس که پیش‌درآمدی بر شکل‌گیری نهضت مشروطیت در ایران است تا حال پژوهشی کامل در هنرهای نمایشی ایران صورت نگرفته و بدین جهت بین دوره تأثیرگذار به‌طور کلی یا حذف گردیده و یا از پرداختن دقیق به آن صرف‌نظر شده است. این آن هم کاملاً موجه است؛ زیرا که قدامت‌نوشته‌اند و منبع تغذیه‌ای را برای استفاده بی‌رونی خود بر جای نگذاشتند.

به هر حال مجلدهای این مجموعه که تاکنون آماده‌سازی شده‌اند عبارتند از:

۱. (جلد ۱، الف) جریید، طبعه نمایشنامه‌نویسی در ایران به شیوة فرنگستان (در عصر قاجار)، طبعه میر اسیف‌الدین خان وزیر مهمام خارجه» (تاریخ نگارش ۱۲۰۲ ه.ق)؛ (جلد ۱، ب) جریان طلیعه تئاتر در ایران و «سرگذشت تماشاخانه دارالفنون» (نخستین تماشاخانه ایرانیان به روش فرنگستان).

۲. آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی عثمانی (در عصر قاجار)

و کمدی «محمد چلبی» (تاریخ ترجمه نیمه دوم ۱۲۸۰ ه.ق).

۳. نهضت آشنایی ایرانیان با «پیر کورنی» در عصر قاجار

و «حکایت رُذگون، خواهر پادشاه پارت» (ترجمه بین سال‌های ۱۲۱۹ ه.ق. ۱۳۰۵ ه.ق).

۴. نهضت ترجمه آثار «مولیر» در ایران و نواحی خاورمیانه در عصر قاجار (از آغاز تا پایان قرن ۱۹ میلادی) و کمدی «مسیو پورسنیاک» (کتابت در سال ۱۳۱۶ ه.ق).

۵. تاریخچه آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان باستان (از

آغاز تا پایان عصر قاجار) و مجلس الکتر از تماشاخانه «سوفوکل» ترجمه «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (ترجمه به سال ۱۳۱۸ ه.ق.).

۶. آشنایی ایرانیان با تناتر و تماشاخانه‌های اتریش در عصر قاجار و آتش‌سوزی تماشاخانه «رینگ» وین به روایت مدارک عصر ناصری (۱۲۹۹ ه.ق.).

۷. «عروسی مجبوری» ترجمه «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (۱۳۳۱ ه.ق.).

۸. بهضت «الکساندر دوما» در عصر قاجار در ایران و نمایشنامه «برج نانی» ترجمه «عبدالحسین میرزا» (۱۳۲۲ ه.ق.).
و نمایش‌های دیگری که در شرف آماده‌سازی هستند.

اما در باب شیوهٔ نگارش این مجموعه، نیز لازم است اشاراتی کنم.

نخست آنکه در نگارش این مجموعه تا حد زیادی سعی شد که از تحسین جستارهای معدودی از پژوهشگران تکرار آنچه قدما نوشته‌اند پرهیز شود. زیرا طبیعتاً مطالب نوشته‌شده نیازمند تکرار مکررات نیست. از این رو غالب مطالبی که در این مجموعه منتشر می‌شود، مبتنی بر کوشش‌های شخصی و حداقل امکان متکی بر اسناد و مدارک معتبر و یا حداقل قابل قبول است که در صورت لزوم اگر تکراری نیز در آن به چشم می‌خورد بی‌گمان با تصحیح و تکمیل شد. بازتاب تازه‌ای به آن افزوده شده است.

دوم آنکه هرگز از روش برخی از مترجمان امروزی که مسائل مربوط به تحلیل نمایشنامه را از منابع غربی برداشته و به انتهای کتاب‌های خود ضمیمه می‌کنند، پیروی نکردم. از این رو تحلیل آثار نمایشی هر مجلد، خوب یا بد، ضعیف یا قوی حاصل بررسی و جستارهای نگارنده است.

سوم آنکه در این مجموعه تا حد بضاعت سعی شد که با احترام به خوانندگان مطالبی ارائه گردد که غالباً حاوی نکات تازه‌ای باشد. زیرا خوانندگان روشن‌ضمیر آشکارا واقف هستند بسیاری از پژوهش‌هایی که در چند دهه اخیر در زمینه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران در قالب مقاله و کتب مختلف منتشر می‌شوند یا بیشتر جهت سوابق‌سازی پژوهشی و ارتقاء رتبه دانشگاهی بوده است و یا غالباً از کپی‌برداری و تغییر رساله‌الخط مطالب چند پیشگام فراتر نمی‌رود. چنانچه اثبات این ادعا را می‌توان در بسیاری از کتب و مقالات تکراری و کم‌کیفیت نسل دانشگاهی امروز به‌صراحت مشاهده نمود.

چهارم آنکه تمام دانش خود را انجام دادم که این مجموعه با حساسیت و وسواس شدید نگارش شود تا آنجا که بضاعت ناچیز نگارنده اجازه می‌داد، سعی نمودم که از انتخاب نسخ گوناگون تا تهی کردن آثار، انتخاب منابع و اسناد، مطالب تازه‌ای را به گنجینه ادبیات نمایشی ایران عرضه کنم. یقیناً در این زمینه نقصان‌هایی نیز وجود خواهد داشت که پیشاپیش از این بابت عذر می‌خواهم. و اندک عزیز پوزش می‌طلبم.

پنجم آنکه نگاه این مجموعه نگاهی تاریخی و مبتنی بر اسناد است که با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی نگارش شده است.

ششم آنکه هر مجلد از این مجموعه به‌طور کلی شامل چندین عمده است:

بخش اول معرفی و شناسایی تأثیرات یک جریان خاص نمایشی در عصر قاجار. این جریان گاه به‌صورت نهضت و جریان شاه‌نامه‌ی مانند «جریان طلیعه نمایشنامه‌نویسی» در کشور ما است؛ گاه تأثیر و تأثر یک فرد همانند «مولیر»، «پیر کورنی» و «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است. گاه تأثیرات یک فرهنگ و کشور همانند یونان و عثمانی و اثریش در تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان است.

در بین این افراد بیشترین تمرکز بر روی «مولیر» بنا نهاده شد. زیرا تأثیر افکار و آثار «مولیر» در طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران و حتی

عثمانی، روس و ممالک عرب بیش از «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» بوده است. از این رو از «مولیر» در مجلد چهارم و هفتم به تفصیل سخن رانده شده است.

بخش دوم معرفی یک اثر نمایشی تازه‌یاب از دوره ناصری، مظفری و حتی عصر مشروطه. این آثار یا همانند نمایشنامه‌های «طیاتر میرزاسیف‌الدین خان وزیر مهمام خارجه»، «ردگون»، «مسیو پورسنياک»، «الکتر» و رساله «تفصیل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تئاتر» نسخه‌ای خطی است؛ یا همانند «محمد چلبی» و «برج نل» (تمثیل تیاتر) و «روسی مجبوری» آثاری چاپ شده می‌باشند.

راجع به آثار خطی در این مجموعه باید گفت که هر کدام از این آثار نسخه‌ها را به صورت فردی در اختیار نگذاشته‌اند. غالباً فاقد شناسنامه لازم هستند. چنانچه نسخه «طیاتر میرزاسیف‌الدین خان وزیر مهمام خارجه» فاقد نام نمایشنامه‌نویس و تاریخ دقیق نگارش است. تراژدی «ردگون» فاقد سال ترجمه و حتی عدم مشخصات دقیقی از مترجم است. نسخه «مسیو پورسنياک» فقط حاوی نام کاتب و تاریخ کتابت است. «تفصیل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تئاتر» نیز فاقد تاریخ دقیق ترجمه است و در این نسخه خطی تنها «الکتر» است که حاوی نام دقیق اثر، مترجم و تاریخ ترجمه می‌باشد.

در مورد آثار ترجمه شده باید گفت که در هیچ یک از این نسخ، منبع اصلی ترجمه و زبان ترجمه ذکر نشده است. زیرا در آن زمان چنین کاری نه در ترجمه متون نمایشی و نه حتی در مثنوی‌پردازی آثار نمایشی اساساً مرسوم نبوده است. هرچند جالب است که گفته شود هر سه نمایشنامه از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند.

من باب سه نسخه «محمد چلبی»، «برج نل» (تمثیل تیاتر) و «عروسی مجبوری» باید اشاره کرد که نسخه «محمد چلبی» اصلاً در

ایران چاپ نشده است. مترجم و تاریخ دقیق ترجمه آن به قطعیت مشخص نیست و تنها در مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای آن به زبان آلمانی، اطلاعاتی مختصر از آن درج شده است. نسخه‌های «برج نل» (تمثیل تیاتر) و «عروسی مجبوری» نیز اگرچه آثاری چاپ شده هستند، اما شوربختانه برای سال‌های طولانی همانند سایر نسخ مزبور به محاق فراموشی سپرده شده است.

بخش سوم شناسایی و معرفی نسخه‌ها، مترجمان، کاتبان، زمان انتشار، و اتل مربوط به این آثار از جمله مواردی است که در هر مجلد به تفصیل شرح داده می‌شود.

در این بخش تاریخچه هر اثر و تأثیرات جریان آن در ادبیات نمایشی قاجار مشخص شده است. این تاریخچه گاه همانند قطعه‌ی نمایشی «محمد چلبی» سرگشته‌ی فرا و نشیب داشته است، گاه نیز همانند «برج نل» از همان ابتدا سردی مشخص بود.

از میان مترجمان نام پنج مترجم «سخ» «ردگون»، «الکتر»، «برج نل» (تمثیل تیاتر)، «تفصیل آتش گرفتن شاخه رنگ تئاتر» و «عروسی مجبوری» مشخص گردید، اما مترجم دو نسخه «مسو پورسنيک» و «مسو پورسنيک» همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی ماند.

راجع به مترجم کم‌دی «مسو پورسنيک» اگرچه نتوانستیم مترجم را شناسایی کنیم اما سعی نمودیم که کاتب آن را تا حد بضاعتی شناسایی کنیم. شاید در آینده بتوان در بین اسناد تازه‌تر، روابطی میان کاتب و مترجم پیدا نمود.

نام دو مترجم نسخ دیگر یعنی «عبدالحسین میرزا» و «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه» از همان ابتدا بر روی نسخه‌های موجود مندرج بود، از این رو صرفاً ضرورت تهیه زندگینامه‌ای مبسوط از آن‌ها احساس می‌شد. زیرا

اگرچه راجع به «عمادالسلطنه» سابقاً مطالبی منتشر شده بود، اما از «مؤیدالسلطنه» تاکنون هیچ مطلبی در تذکرها و کتب قاجاری مندرج نشده بود.

خوشبختانه نام مترجم «ردگون» یعنی «مرتضی مترجم» نیز پس از پیگیری‌های بسیار به دست آمد که از این نظر مفتخریم که شخصیتی گمنام اما فرهیخته را برای نخستین بار به تاریخ پیدایی ادبیات نمایشی ایران معرفی می‌کنیم.

در ضمن گفتنی است در این بخش به جریانات دیگری نیز اشاره شده است. این جریانات گاه همانند جلد چهارم به تطبیق اقتباس‌های «مسیو پور» و «ک» ر ادبیات نمایشی ایران پرداخته است و گاه نیز همانند جلد دوم به تاریخ ادبیات «محمد چلبی» در ادبیات شرق و غرب اشاره دارد.

بخش چهارم در مجلد سعی بر این شد که هر اثر نمایشی به تفصیل تحلیل گردد. راجع به این مبحث باید گفت که به جز نمایشنامه «الکتر» از بقیه آثار نادنوا هیچ تحلیل جامع و کاملی در کتب نمایشی ایران عرضه نشده است. از این رو سعی نمودیم که تحلیل نمایش‌های این مبحث را با تکیه بر منابع ایرانی، خارجی تا آنجا که در حد بضاعت بود ارائه دهیم.

بخش پنجم متون نمایشی غالباً پس از اسامی تصحیح مورد حواشی نویسی قرار گرفتند و توضیحات مربوطه نیز در بازبینی هر صفحه درج گردید. راجع به نحوه تصحیح متون باید گفت که در متن پس از استساخ، مورد بازبینی قرار گرفت. برخی از واژگان به تعبیر امروزی مصطلح نبود و نیازمند توضیحات بود. برخی از ترجمه‌ها حاوی واژگان فرانسوی، عربی و ترکی بودند که معنای آن‌ها نیز استخراج و در پانویس عرضه شد. برخی از واژگان عبارت بودند از اسامی شهرها، اشخاص،

اساطیر و اصطلاحات خاص، که هر کدام نیز به طور معمول در پانویس شرح داده شد. برخی از متون در قسمت‌هایی ناخوانا و در قسمت‌هایی غیرگویا بودند. توضیحات این مباحث را نیز به طور کلی در صفحات مجلدات مربوطه شرح دادیم. برخی از نسخه‌ها همانند «محمد چلبی» نیازمند مقابله با آثار اصلی آن یعنی ترکی و فرانسوی بود. برخی از متون همانند «مسیو پورسیناک» و «ردگون»، «الکتر» و حتی «عروسی مجبوری» را برخی از نسخ فرانسوی و حتی انگلیسی مربوط به دوران حیات مترجم تطبیق داده شد و شرح آن نیز در مجلدات مربوطه درج گردید.

نکته نه‌ای که تمامی متون نمایشی ترجمه شده در عصر قاجار فاقد ذکر مراجع کتب اصلی خود هستند. از این روش‌شناسایی کتب اصلی تا حد زیادی امکان پذیر است؛ بدین جهت برخی از متون این مجموعه همانند «کمدی مسیو پورسیناک» علی‌رغم ترجمه‌ای مطلوب، دارای نواقص فنی زیادی بود که در تسبیح متن برطرف گردید.

راجع به منابع و مآخذ نگارش این مجموعه باید اذعان نمود که در این مجموعه از چند قسم منابع استفاده شده است. منابع چاپی (کتب و مقالات)، شریفات قدیمی و جدید، منابع چاپ سنگی، منابع خطی و اسناد چاپ نشده، و منابع خارجی. هرگز سعی نکردم در استفاده و شناسایی و استناد به منابع، هر چند عده معدودی از پژوهشگران و مدرسان سرشناس این رشته تنها چند کتاب پیش روی خود گذاشته و با استفاده از منابع مندرج در همان کتب و شیوه مرسوم فلاسفه این را گفت یا فلانی آن را گفت، کتابسازی کنم.

این پژوهش حاصل چند سال کوشش و زحمات ناچیز نگارنده در جهت شفاف‌سازی گذشته تاریک نمایش و ادبیات نمایشی کشورمان است. در این وادی

به دفعات مستأصل و سرخورده شدم. چند بار عطای پژوهش را به لقای آن بخشیدم. با دلسردی و یأس مواجه شدم. اما با این حال از نو شروع کردم؛ اما هر بار مأیوس تر و دلسردتر از دفعه قبل نگارش این مجموعه را ادامه دادم. انگیزه جوانی و همچنین کفش های آهنی که در این راه پوشیده بودم امروزه به شدت از بین رفته است. به برخی از کتابخانه ها و مراکز اسناد آزرزی شدید پیدا کردم. رفتارهای برخی از کتابدارها و مسئولان به شدت رقت انگیز است. گویی ارث آباء و اجدادی خود را می خواهند در اختیار محققان قرار دهند. خیلی جالب است که هیچ مرکز پاسخگو و حامی پژوهشگران هم اساساً در این دوره وجود ندارد و بسان بسیاری از پژوهشگران مهجور این روز و بهر هیچ گونه حمایت اقتصادی و معنوی دولتی و شخصی برخوردار نبودم. حتی برخی از مراکز اسناد و مسئولان و موزه ها جز اتلاف وقت و سیستم بوروکراسی اداری در در نهایت پاسخ منفی با کلی اعصاب خردی از هرگونه مساعدت و همکاری مثبتی نیز ناگوارنده امتناع نمودند. از همه بدتر در این بین با تعدادی از کارمندان مراکز اسناد و دانشگاه هایی مواجه شدم که راه همفکری و همکاری را صرفاً در گرو سوءسناد، پژوهشی در جهت چاپ مقاله و ارتقاء پُست و درجه خود می دیدند. همین جا به صراحت اعلام می کنم که یکی از سوءاستفاده های صورت گرفته از سوزده های پژوهشی نگارنده پژوهش ده ساله ای تحت عنوان «میرزا علی اکبر خان مزین الدوله نقاشباشی» است که یکی در پژوهشگر نما با کمال وقاحت آن موضوع را توأم با برخی از مدارک بنده مورد دست بردار دادند.

خب طبیعی است که با این وضعیت، تاکنون به بسیاری از اسناد و مدارکی که نیازمند آن بوده ام دسترسی پیدا نکرده ام، امید است که در آینده بتدریج دسترسی به آن اسناد و مدارک، ویرایش جدیدتری از این آثار را به خوانندگان ارائه دهم.

به هر حال با وجود این مشکلات تمام تلاش خود را انجام دادم که حداقل برخی از این جریانات و آثار نمایشی گمنام را از محاق فراموشی نجات داده و برای آیندگان به ثبت برسانم.

در همه کشورهای متمدن دنیا نه تنها پیشینه نمایشی خود را نفی نمی کنند، بلکه به دفعات نیز آن اطلاعات را منتشر و با ویرایش و نظرات جدید به خوانندگان عرضه می کنند. شوربختانه در این زمینه جامعه تئاتری ما به شدت فقیر و ضعیف عمل نموده است. بی گمان در این مسیر چند عامل مهم دخیل می باشد که عبارتند از:

نخست در این زمینه جز تعداد انگشت شماری پژوهشگر با کمبود نیروی متخصص مواجه هستیم. دوم عدم شناخت و توجه بی چون و چرای جوامع دانشگاهی به سائر و مکاتب نظری و فلسفی غرب مسبب شده که بسیاری از اساتید و دانشجویان و مسئولان، پیشینه نمایش و ادبیات نمایشی خودمان را به دیده تحقیر بنگرند و به همین جهت ضای پژوهش در حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی ایران را تا حد زیادی کم اهمیت جا زده اند. سوم در این زمینه برخی از پژوهشگران و اساتیدی که فعالیت می کنند غالباً فرد یا آشنایی لازم را با مقوله تئاتر و هنرهای نمایشی ایران ندارند، یا آنکه میراث اطلاعاتشان از محدود کتب و مقالات برخی از پیشینیان فراتر نمی رود. مدعای این گروه از اساتید و محققان، مقالات به اصطلاح علمی و پژوهشی بسیاری از دانشجویان و اساتید فعلی است که غالباً از روش های کپی-الصاق استفاده می کنند. از این رو کیفیت تحقیقات و پژوهش های نسل دانشگاهی امروز خود نیز به شدت نیازمند بررسی و نقادی است. زیرا، بسیاری از اساتید پس از دریافت کرسی در دانشگاه ها راه فرصت طلبی و راحت طلبی را برگزیده و واجب شمرده و جهت دریافت رتبه های دانشگاهی از روش های متعددی، رایج و غیر رایج پژوهش و ترجمه استفاده می کنند. نگارنده فرازهای کوچکی از این وضعیت دستاوردهای اساتید معتبر فعلی جوامع دانشگاهی تئاتر را در جلد هفتم این مجموعه به خوانندگان گوشزد نموده ام.

چهارم سیاست گذاری بسیاری از جوامع نشر نیز خدمت شایانی به کاهش کیفیت آثار پژوهشی داخلی نموده است. زیرا بسیاری از ناشران امروزه با گرایش شدید به آثار ترجمه و بازگشت سرمایه خود در بیشتر موارد آثار تفننی، ضعیف و

بی کیفیت برخی از مترجمان تازه کار و مشتاق را به برخی از پژوهش های مرتبط با تاریخ و فرهنگ این مملکت ارجحیت داده و با هزار تا عذر و بهانه و زایل ساختن وقت و مزد مؤلف از انتشار برخی از کتب پژوهشی که شاید برای آیندگان مفید واقع شود، طفره می روند.

مضاف بر این، عدم ارتزاق و تأمین مخارج زندگی محققان از این راه، نبود مسئله ان کارآمد و دلسوز در جامعه نمایشی ایران، فقدان هیچ مؤسسه و مرکز تحقیقاتی در ایران جهت حمایت پژوهشگران غیرخودی از دیگر مواردی است که باعث شده نه تنها دامنه پژوهش های هنرهای نمایشی ایرانی مهجور، ضعیف و غالباً تکراری واقع شود، بلکه هر آنچه نیز قدما به درست یا اشتباه گفته اند، به صورت حافظه تاریخی به دستورات ثبت و ضبط گردد.

حال مجموعه ای که اینک تحت عنوان «سیری در تاریکی های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر پهلوی» از نشر خورشید می گذرد، به واقع بستری جهت تجدید نظر در پژوهش های سابق هنرهای نمایشی کشورمان، اصلاح گفتار کم اساس برخی از قدما، رفع نواقص برخی از کتب راجع به ادبیات نمایشی قاجار و از همه مهم تر شفاف سازی بخشی از تاریخ نمایش در این مرز و بوم است که متأسفانه پس از گذشت بالغ بر یک صد سال همچنان در حلقه فراموشی است. در آخر اینکه این مجموعه نیز همانند سایر جستارها و این را آخرین نیست، لذا امید است که حداقل با ثبت این اسناد و مدارک برای آیندگان، زیربنای تحقیقات بنیادی و کامل تری را برای رهروان بعدی فراهم سازد.